

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۴۰ <p>تایمر: ۸۸۷۶۱۲۴۴ از رتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مزدوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ چاپ: شرکت چاپ جام‌چم – همشهری – سازان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی</p> سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایژا ۱۹۰۰۱ شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ پدیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱) انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲-۶ www.iran-newspaper.com	
اذان ظهر ۱۲/۴ اذان مغرب ۱۸/۳۳ نیمه شب شرعی ۲۳/۳۰ اذان صبح فردا ۴/۴۵ طلوع آفتاب فردا ۶/۰۹	
امام صادق علیه السلام: <p>سز اوار نیست که مسلمان با بدکار و احمق و دروغو رفاقت کند.</p> <p>کافی(ط-الاسلامیه) ج ۲، ص ۶۴۰، ح ۳</p>	
سخن روز	

با حکم وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی «قادر آشنا» مدیرکل هنرهای نمایشی شد

قدمتان سر چشم اما کاش پشیمان نشوید

قادر آشنا از آن دست مدیرانی است که در جریان مسائل و مشکلات تئاتری قرار دارد، بنابراین تأکید دارم که انتخاب او به مدیریت اداره تئاتر کار درستی بوده است؛ منتهی نباید فراموش کرد که استعفای شهرام کرمی به دلیل بی تجربگی او نبوده.

متأسفانه در عرصه تئاتر با مشکلات متعددی روبه رو هستیم که در نهایت موجب دلسردی و کنارتکشیدن او از ادامه کار شده. امیدوارم حالا که فرد شایسته‌ای همچون قادر آشنا به این سمت انتخاب شده، از پیش برخی تضمین‌ها را از سطوح بالای مدیریت وزارت ارشاد گرفته

بهروز غریب پور

کارگردان

باشد.

فارغ از مشکلات متعدد و ریز و درشتی که گریبان تئاتر و اهالی‌اش را گرفته، بودجه بسیار ناچیزی به هنر تئاتر اختصاص داده شده که به هیچ وجه پاسخگوی نیازها نیست. از سوی دیگر فضای حاکم بر تئاتر سال‌هاست که به سوی حال و هوایی کاسب کارانه رفته که بی تردید اداره تئاتر هم در این زمینه بی‌تقصیر نبوده. امیدوارم حالا که قادر آشنا همه این مشکلات را به جان خریده و وارد چنین کارزار سختی شده، بتواند بخشی از این مشکلات را حل کند. هر چند که به عنوان یکی از قدیمی‌های تئاتر می‌دانم بدون برنامه‌ریزی‌هایی در سطح کلان، مدیر اداره تئاتر هم نمی‌تواند به تنهایی همه مشکلات را به دوش بکشد.

قادر آشنا آنقدر دربارۀ این حوزه و مشکلات آن می‌داند که نیاز چندانی به بیان انتظاراتی که من و دیگر همکارانم از او داریم نیست. با این حال به برخی از این مشکلات و انتظارات به شکلی مختصر اشاره می‌کنم. یکی از مشکلات مشترک اغلب اهالی تئاتر برای روی صحنه بردن هر کاری ضرورت گذر

ساخته آنها از حداقل ۱۰ کانال است؛ تازه این در شرایطی است که حتی وقتی کاروی صحنه می‌رود مشکلات تمامی ندارند و کارگردان مذکور باید با گرفتاری‌های دیگری دست و پنجه نرم کند. پذیرفتن مدیریت این اداره آن هم با بودجه فعلی شجاعت زیادی طلب می‌کند. در بحث بودجه که می‌دانم آشنا هم به طور قطع دستش باز نخواهد بود اما امیدوارم در جلب اعتماد اهالی تئاتر موفق شود. این یکی از مهم‌ترین اقداماتی است که از یک مدیر خوب در این عرصه برمی‌آید. ناچارم باز هم به فضای کاسب کارانه حاکم بر فضای تئاتر اشاره کنم.

البته نه این که بگویم بحث اقتصادی مهم نیست اما مسأله انجامست که در تمام دنیا تئاتر و تئاتری‌ها رسانی برعهده دارند که در شرایط فعلی امکان عمل به آن وجود ندارد. اینجا ما سختگیری‌های بی‌مورد و مسائل مالی بر همه چیز سایه افکنده است. امیدوارم قادر آشنا از انجام برنامه‌هایی که مدنظر دارد دلسرد نشده و حضورش در این حوزه منجر به اقدامات مؤثری شود. این انتخاب را به او تبریک می‌گویم.

نگاره

منصوره دهقانی



انسان به امید زنده است
نوروز ۱۳۹۹ مبارک



”

حمید هیراد: اجرای پلی بک شیراز بخاطر بیماری ام بود
چندساعت قبل از کنسرت شیراز حال من بد شد، اما من می‌خواستم کنسرت را لغو کرده‌و حال دل مردم را خراب نکنیم. تصمیم گرفتم که بکی از قطعه‌های آن کنسرت را بخوانی کنم. آنجا نخستین و البته آخرین بار بود که این اتفاق رخ داد. آن زمان من درگیر شیمی درمانی و طی کردن مراحل درمانی بودم.

بخشی از صحبت های این خواننده
پاپ در برنامه «بهار جان» شبکه پنج



داوود فتحعلی‌بیگی
کارگردان



حمید هیراد: اجرای پلی بک شیراز بخاطر بیماری ام بود
چندساعت قبل از کنسرت شیراز حال من بد شد، اما من می‌خواستم کنسرت را لغو کرده‌و حال دل مردم را خراب نکنیم. تصمیم گرفتم که بکی از قطعه‌های آن کنسرت را بخوانی کنم. آنجا نخستین و البته آخرین بار بود که این اتفاق رخ داد. آن زمان من درگیر شیمی درمانی و طی کردن مراحل درمانی بودم.

بخشی از صحبت های این خواننده
پاپ در برنامه «بهار جان» شبکه پنج



قادر آشنا از مدیران لایق، کاردان، دلسوز، پاک دست، پاک چشم و پاک‌دلی است که در طول فعالیت کاری خود دیده‌ام. همکاری او به جهت مدیریت با هر مجموعه‌ای بدون قشون‌کشی بوده؛ به یاد دارم مدیری را که حتی پرسنل خدماتی‌اش را هم همراه خود به مجموعه هنرهای نمایشی وارد کرده بود. در دوران مدیریت آقای آشنا بر مرکز هنرهای نمایشی فعالیت و همکاری‌اش با حضور کارشناسانی بود که در مرکز هنرهای نمایشی فعالیت می‌کردند و در همان مدت زمان حضور هم ارتباطی دوستانه و صمیمی با مجموعه داشت. قادر آشنا سوابق روشنی در عرصه هنر و تئاتر دارد و به عقیده من حتی شایسته آن است که به عنوان وزیر یا معاون وزیر انتخاب شود، چرا که علاوه بر استعداد مدیریتی و سابقه طولانی در حوزه فرهنگ وهنر بسیار علاقه‌مند به این حوزه و توانمند است و بسیار متأسفم که یک بار به اغوای برخی از دوستان ناگاه، او از مدیریت مرکز هنرهای نمایشی برکنار شد.

می‌دانم همان زمان که او به عنوان مدیر کل هنرهای نمایشی انتخاب شده بود پیشنهاد کاری دیگری هم داشت که حتی شاید به لحاظ مالی به صرفه‌تر بود اما علاقه‌مندی‌اش به حوزه هنر باعث شد این کار را انتخاب کند و به مرکز هنرهای نمایشی بیاید. براین نظرم که قادر آشنا مدیری است به دور از وسوسه‌ها. مردی بسیار شجاع که هرگاه مجوز نمایشی به امضای او صادر شد در دفاع از آن سینه سپر کرد و این شجاعت و درایت یک مدیر در هنرهای نمایشی بسیار حائز اهمیت است. به هر کسی که از راه می‌رسد اجازه دخالت در کار نمی‌دهد و از مناسباتش نیز به نفع رونق تئاترو به نفع فراهم شدن امکانات مالی برای تئاتر استفاده می‌کند. حوزه تئاتر و هنرمندان این مجموعه به حضور چنین مدیری نیازمند است.

ای کاش تشکل های اداری بیش از اینکه به مناسبات گروهی و حزبی فکر کنند، به لیاقت، کاردانی و صداقت آدم‌ها توجه داشته باشند و به این بیندیشند که چه کسی وطن پرست است، چه کسی دروغ می‌گوید و چه کسی رفتار و اعمالش همراه با صداقت است. اگر ما سیره امام علی این ابیطالب (ع) را در انتخاب مسئولان در هر کجای مملکت رعایت کنیم اینقدر مدیریت ما دچار مشکل نمی‌شود ولی متأسفانه خیلی وقت‌ها خط‌کشی‌ها و مرزبندی های سیاسی را وارد قضیه می‌کنیم که خیلی جاها به ضرر ما تمام خواهد شد. قادر آشنا از جمله همین مدیران با صداقت و کاردان است که امیدوارم حتی در دولت بعدی هم بر این منصب بماند چرا که سوابق او بر همه روشن است. حالا که او به فاصله زمانی یکساله از دولت چنین امر خطیری را پذیرفته، کار بزرگی انجام داده است.

اکبر زنجانپور: دنیایی به دور از غم و رنج و خشونت بسازیم

من آموخته‌ام که در هزار گونه و دنیای رنگارنگ تئاتر هیچگاه رسالت و ارزش و اهمیت ای هنر را فراموش نکنم. تئاتر، هنری برای انسان‌سازی است تا مخاطب را در مواجهه با درد و رنج و تلخ‌کامی و خصلت‌های زشت و پلید بشری به دوستی و ایمان و نیکی و آگاهی سوق دهد. هر واقعه این جامعه و رفتار مردم بستر مضمون آثار نمایشی بوده و اثری موفق خواهد بود که بتواند زبان حال و خواسته این مردم باشد. تئاتر فقط برای سرگرمی نیست و نمایشی که به مخاطب خود فکر و آگاهی می‌دهد هنری باصالت است که می‌تواند زندگی ما را یک‌گام به جلو هدایت کند. در جهان صحنه باید دنیایی را بسازیم به دور از غم و رنج و خشونت که صلح و امید و زیبایی را نشر دهد.»
با این جملات است که هنرمندان تئاتر قدیم به سال ۹۹ می‌گذارند.

یک پیشنهاد برای زندگی در سال جدید وقت‌شناس باشیم

وقت‌شناسی ضرورت است و باید به جزئی از فرهنگ بدل شود. مدیریت صنعتی و شهری بدون وقت‌شناسی امکان‌پذیر نیست. شروع کار ادارات و کارخانجات در ساعتی معین و تعطیلی کار در ساعتی معین ضروری است. تمام خط تولید صنعتی بر اساس زمان دقیق مدیریت می‌شود و چه بسا اندکی پس‌وبیش در زمان فاجعه به بار بیاورد. زندگی صنعتی مثل زندگی در روستا نیست که در آن وقت با طلوع و غروب خورشید و با تغییر فصل‌ها معین می‌شد. در اینجا همه چیز بر اساس تقسیم قراردادی زمان به واحدهایی در اندازه دقیقه و ثانیه منظم می‌شود.

تجربه من می‌گوید که مشکل آدم‌های وقت‌شناس این نیست که نتوانند این واقعیات ساده را درک کنند، تفهمنده که دیر سر قرار رفتن تضییع حقوق دیگران است. یا نتوانند وقت‌شان را طوری تنظیم کنند که بموقع برسند. کما اینکه این‌ها تقریباً هیچ وقت زود سر قرار نمی‌رسند. آنها اساساً قواعد زندگی اجتماعی را نسبت به منافع شخصی‌شان بی‌اهمیت می‌انگارند.
از طرف دیگر اشکال از این هم هست که کسی برای دیر آمدن مورد مؤاخذه قرار نمی‌گیرد. باز تجربه نشان می‌دهد که در بعضی موارد، مثلاً در مورد حرکت قطارها یا هواپیماها یا شروع فیلم در سینماها بیشتر مردم بموقع خودشان را می‌رسانند. چرا که می‌دانند همان منتظر آنها نخواهد ماند و فیلم سر وقت شروع می‌شود. همان طور که گردش ستارگان متوقف نمی‌شود تا ما خود را به سر سفره هفت‌سین و تحویل سال برسانیم. جدیت در رعایت وقت از سوی مؤسسات و نهادهاست که توجه به آن را نهادینه می‌کند و فرهنگ

شهادی مدافعان حرم هستیم که در قم ومشهد آرزوی داعش برآورده شد!»، «ایناکه جلوی حرم حضرت معصومه جمع می‌شن وخواهان بازگشایی این مکان مذهبی هستند چه کسانی هستند؟چه انگیزه‌های درونی وخبررونی باعث این واکنش در آنهاشده؟ چرا در دیگر مناطق مسلمان نشین بستن مساجد چنین واکنش‌هایی به‌همراه نداشته؟ یعنی در آنجا عاشق ودلسوزخته پیدا نمی‌شود؟»، «هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم توایران شیعه،توسرزمین فهمیده‌ها، باکری‌ها، ججی‌ها، قاسم سلیمانی‌ها کسی حمله کند که حرم بشکته یابه صحن حضرت رضاع) جسارت کند.تواین مملکت خون هزاران شهید ریخته‌شده تا کسی چپ به حرم هلانگانه‌کنه...لغت به‌خوار جزمانه»، «کسی که درب حرم مطهر حضرت معصومه،امیשکنه زانر نیست، چون کسی که به این بانوعشق داشته‌باشم همچنین جسارتی نمیکنه،ایشون توقلب ماهستن خوار جزمانه ات رایشناس»، «طرف داره فحش ناموسی میبه بالکد هم میزنه به درب حرم، حیدر حیدر میگه...این جماعت همون خوار جزمان امام علی(ع) اند...»، «شعار، تهران غلط کرد، یعنی زور زبال بودن حکومت مرکزی، یعنی ایجاد هرج ومرج وزمنه‌سازی برای فتنه آن هم به نام آخرین قشورقادر به‌نظام انقلابی‌ها»، «تهران غلط کرد؟!ایناکی این دیگه».



گتسیبی بزرگ
اسکات فیتز جراللد
رضا رضایی، نشر ماهی

گتسیبی بزرگ

اسکات فیتز جراللد

رضا رضایی، نشر ماهی

سال ۹۱ که قادر آشنا به عنوان مدیر مرکز هنرهای نمایشی انتخاب شد، در مراسم معارفه‌شان گفتم که «آقای آشنا بد موقعی به مرکز هنرهای نمایشی آمدی»، اگرچه از خبر انتصاب دوباره ایشان برای مدیریت تئاتر کشور خوشحالم و به ایشان خوش‌آمد می‌گویم اما امروز که با او آشناتر شده‌ام باز باید بگویم: «آقای آشنا، دوست عزیزمن، استاد خودم، خیلی بد موقعی به مرکز هنرهای نمایشی آمدی. اگر چه به تجربه مدیریتی شما اعتقاد دارم اما کم‌وکاستی‌ها بیشتر شده، آنقدر که در خوش‌بینانه‌ترین حالت تصور می‌کنم خیلی سخت از پیش بریبایی (با دست خالی!)».

قادر آشنا شخصیتی دوست‌داشتنی، مدیر خوب و همراه و رفیق با همه هنرمندان است. سابقه قبلی‌شان همه این ویژگی‌ها را ثابت کرده است؛ منتهی من نگران هستم که ایشان سپر بلای همه شوند و با دست خالی آن طور که می‌خواهند نتوانند کارها را به سامان برسانند. همه می‌دانیم یکی از بزرگ‌ترین مشکلات حوزه تئاتر مشکلات مالی است.

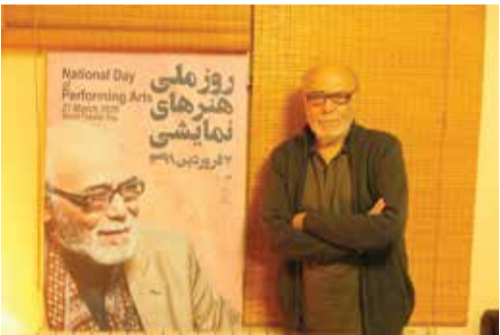
شهرام کرمی هم رفیق بچه‌های تئاتر بود و یک مدیر واقعاً نجیب اما در مرکز هنرهای نمایشی سپر بلای همه شد.

آمدن قادر آشنا ان شاءالله که مبارک است: «قدمتان سر چشم اما امیدوارم لااقل قول‌هایی به شما داده باشند که بتوانید جوابگوی بچه‌های تئاتر باشید.»

بچه‌های تئاتری حق‌شان را می‌خواهند؛ حق‌شان کار کردن است. قادر آشنا با تجربه مدیریتی که دارد می‌تواند کارهای جدیدی انجام دهد به شرط این که مدیران کلان وزارت فرهنگ و ارشاد پشت او ایستاده باشند و تک و تنها در دفتر مدیریت رهایش نکنند. امکانات در اختیارش قرار بدهند. نبود امکانات شبیه این است که دست و پای قهرمان‌شنا را ببندیم و هلش بدهیم داخل استخر و از او توقع شنا داشته باشیم.

من این را پیش‌پیش می‌گویم که دوستان از قادر آشنا طلبکار نشوند. اطمینان دارم که اگر این امکانات را در اختیار او قرار بدهند می‌تواند کارها را بسامان کند. با کارهایی که نباست بشود و نشده و در شرایط قوز بالا قوز تبعات کرونا، امیدوارم آشنا از بازگشت به مدیریت تئاتر پشیمان نشود. امروز در شرایطی هستیم که پیشگوها هم نمی‌توانند راجع به آینده پیش‌بینی درستی داشته باشند.

شرایط تاریخی عجیبی را تجربه می‌کنیم و فعلاً همه چیز دست آقای کروناست. شبیه کشتی‌ای هستیم در میان اقیانوس که طوفانی به اسم کرونا هم آن را ملامطم کرده؛ امیدوارم این کشتی بخصوص در بخش تئاترش با قادر آشنا و آشناها به سرمنزل برسد.



وقت‌شناسی را جا می‌اندازد. یکی از نشانه‌هایی که معلوم می‌کند وقت‌شناسی امری فرهنگی و مرتبط به زندگی مدرن است این واقعیت است که در کتابی مانند گلستان سعدی (و گمانم در هیچ یک از کتاب‌های ادبیات کلاسیک فارسی) که درباره همه جنبه‌های زندگی اجتماعی باب‌هایی دارد، از جمله درباره بموقع حرف زدن و فواید خاموشی و همین‌طور توجه سلطان به وضعیت رعایا و... هیچ بابی یا سخنی درباره وقت‌شناسی نیست. در شرایط زندگی اجتماعی آن دوره وقت‌شناسی فاقد اهمیتی بوده که امروز هست. و امور زندگی به دقت ثانیه و دقیقه محاسبه و رعایت نمی‌شده است.

وقت‌شناسی هنوز که هنوز است فرهنگ غالب ماست. چنان که طلب وقت‌شناسی (مثل همین نوشته) یک جور حساسیت زیادی یا «گیر دادن» به حساب می‌آید. سال‌ها پیش هر دوشنبه چهار بعدازظهر جلسه‌ای داشتم در یکی از اصناف خانه سینما. با هر مصیبتی شده بود خود را می‌رساندم. چهارونیم تازه رئیس صنف می‌آمد و بعد بقیه اعضا یکی یکی می‌رسیدند و شروع می‌کردند به گپ زدن تا حدودهای ساعت پنج جلسه را شروع می‌کردند. می‌دیدم هیچ‌ک مشکلی ندارند. می‌دیدم دارم بی‌خودی حرص می‌خورم. بعد بدین‌چ فهمیدم که طبق یک قرار اجتماعی ناشسته «جلسه‌مون ساعت چهار» معنی‌اش این نیست که همه جلسه ساعت چهار شروع می‌شود. معنی‌اش همین است که همه می‌فهمند و به آن عمل می‌کنند. این‌منم که معنی آن جمله را درست متوجه نمی‌شوم. این نمونه‌ای است گواه بر اینکه وقت‌شناسی به فرهنگ اجتماعی تبدیل نشده است. امیدوارم سال آینده بشود!



به‌دنبال توصیه‌های جدی درباره ضرورت تعطیلی فعالیت‌های فرهنگی – هنری در سراسرجان برای طلغ زنجیره کرونا، تولیدات بزرگ سینمایی هم‌بکی پس از دیگری تعطیل می‌شوند. در این بین ادامه فیلمبرداری دنباله‌های «آواتار» جیمز کامرون هم در نیوزلند متوقف شد.

عکس نوشت